

Original Article

The Plea Bargaining in the US's Penal System: Basics, Challenges and Solutions

Nima Kianersi¹, Mohsen Shekarchizadeh^{2*}, Masoud Zamani³

1. Ph.D. Student, Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.
(Corresponding Author) Email: Mohsen.Shekarchi@gmail.com

3. Assistant Professor, Department of Public and International Law, Faculty of Law and Political Science, University of Shiraz, Shiraz, Iran.

Received: 12 Feb 2019 Accepted: 18 October 2020

Abstract

Background and Objective: As one of the Most Important Manifestations of Relative Dejudicialization, The Plea Bargaining has Been Conceptualized as the Agreement Between the Convict and the Prosecuting Attorney. Based on This Agreement, the Convict Becomes Committed to Confess to the Perpetrated Crime, on the one Hand, and the Prosecuting Attorney Becomes Obligated to Reduce the Accusation Titles or Take Necessary Measures for Discounting the Punishment, on the Other Hand.

Materials and Methods: The Present Subjective Research has Been Conducted Based on a Descriptive-Analytical Method. Library Research and Reference to the Documents, Books and Articles have Been the Information Gathering Methods of Choice Herein.

Findings: Although the US's Penal System is the Primary Origin of the Plea Bargaining, The Opponents and Proponents of This Institution have Their Own Specific Reasoning in this Country. The Proponents of the Application of the Plea Bargaining Emphasize on the Penal System's More Criminalization and Its Failure in Correction and Rehabilitation as Well as Prevention of the Criminal Labelling so as to Corroborate This System. On the Contrary, the Opponents Emphasize on Outcomes Like Coercion in Presence, Conviction of the Innocent Persons and Insufficient Guarantees to Oppose the Implementation of This Provision.

Ethical Considerations: Meanwhile Keeping Text Originality, Principles of Honesty and Trustworthiness have Been Observed in all the Stages of the Present Research's Authoring.

Conclusion: Based on the Study's Findings, the Regulations of the US's Penal System are Sporadic and Incoherent in the Area of the Plea Bargaining. Due to the Same Reason, the Plea Bargaining Gains Meaning in the Context of the Judicial Procedures. However, Absence of Comprehensive Regulations in this Domain has Caused the Creation of Challenges Like the Conviction of the Innocent Persons. In Order to Overcome Such Problems, it is Through the Augmentation of the General Public's Scrutiny and Supervision that the Plea Bargaining Can be Written Down and Archived, on the one Hand, and the Amount of the Courts' Participation in the Transaction Process can be Increased, on the Other Hand.

Keywords: Plea Bargaining; Prosecuting Attorney; Convict; the US's Penal System; Conviction of the Innocent Persons

Please Cite This Article As: Kianersi N. Shekarchizadeh M. Zamani M. The Plea Bargaining in the US's Penal System: Basics, Challenges and Solutions. *Iran J Med Law, Special Issue on Human Rights and Citizenship Rights 2018; 317-332.*

معامله اتهام در نظام کیفری آمریکا: مبانی، چالش‌ها و راهکارها

نیما کیان‌ارثی^۱، محسن شکرچی‌زاده^{۲*}، مسعود زمانی^۳

۱. دانشجوی دکتری رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران. (نویسنده مسؤول) Email: Mohsen.Shekarchi@gmail.com

۳. استادیار، گروه حقوق عمومی و بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۲۳ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۲۷

چکیده

زمینه و هدف: معامله اتهام به عنوان یکی از مهم‌ترین جلوه‌های قضازدایی نسبی، به مفهوم توافق متهم و دادستان است. براساس این توافق، از یک‌سو، متهم متعهد می‌شود تا به جرم ارتكابی اقرار کند و از سوی دیگر، دادستان مکلف می‌شود تا عناوین اتهامی متهم را کاهش دهد یا در راستای تخفیف مجازات اقدامات لازم را انجام دهد.

مواد و روش‌ها: این تحقیق از نوع نظری بوده روش تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات بصورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

یافته‌ها: گرچه نظام کیفری آمریکا خاستگاه اصلی معامله اتهام است، اما در این کشور موافقان و مخالفان این نهاد استدلال‌های خاص خود را دارند. موافقان کاربست معامله اتهام با تأکید جرم‌زایی نظام کیفری، شکست نظام اصلاح و درمان و پیشگیری از برچسب مجرمانه درصدد تقویت این نهاد هستند. در نقطه مقابل، مخالفان با تأکید بر پیامدهایی چون اجبار در حضور، محکومیت بی‌گناهان و تضمین‌های ناکافی، مخالف اجرای این نهاد هستند.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

نتیجه‌گیری: براساس یافته‌های این پژوهش، مقررات نظام کیفری آمریکا در حوزه معامله اتهام، پراکنده و فاقد انسجام کافی هستند. به همین دلیل، معامله اتهام در بطن رویه قضایی معنا پیدا می‌کند. با این حال، عدم قوانین جامع در این حوزه موجب شده است تا چالش‌هایی چون محکومیت بی‌گناهان ایجاد شود. برای برون رفت از این مشکلات می‌توان با افزایش دقت و نظارت عمومی، از یک‌سو، فرآیند معامله اتهام را مکتوب و بایگانی کرد و از سوی دیگر، میزان مشارکت دادگاه‌ها را در فرآیند معامله افزایش داد.

کلید واژه‌ها: معامله اتهام؛ دادستان؛ متهم؛ نظام کیفری آمریکا؛ محکومیت بی‌گناهان

مقدمه

ارتکاب جرم در هر جامعه‌ای موجب از بین رفتن امنیت و تهدیدی علیه آزادی‌های فردی محسوب می‌شود. به همین دلیل، رسالت عدالت کیفری، شناسایی مرتکبان و آغاز فرآیند کیفری جهت به کیفر رساندن بزهکاران است. براساس پیش‌فرض‌های موجود، مجازات ابزاری است که از یک‌سو، موجب اعاده نظم عمومی و از سوی دیگر باعث تشفی خاطر بزه‌دیده و اصلاح بزهکار شود. به همین دلیل، در الگوهای فرآیند کیفری یک اصل مطلق پذیرفته شده است که از آن به (قانونی بودن نظام تعقیب کیفری) یاد می‌شود. بر این اساس، پس از وقوع جرم نهادهای عدالت کیفری مکلف هستند تا فرآیند تعقیب را آغاز کنند. با این حال، برخی تبعات نظام قانونی بودن موجب شد تا اندیشه جدیدی در این حوزه شکل گیرد که بعدها به (اصل مقتضی بودن تعقیب) معروف شد. بر این اساس، آغاز فرآیند کیفری نه یک تکلیف، بلکه اختیاری برای دادستان است. در این شرایط، اگر دادستان تعقیب متهم را سودمند و دارای فایده اجتماعی نداند و یا مصلحت اقتضا کند، از تعقیب متهم به جرم اجتناب می‌کند. در حقیقت این قاعده برای دادستان نقشی فعال در دادرسی کیفری در نظر گرفته و برای او این قدرت را به رسمیت می‌شناسد که در هر مورد، به مصلحت بودن و مفید بودن تعقیب را بررسی کند و بر آن اساس تصمیم گیرد (۱). یکی از مهم‌ترین نهادهای کیفری که مصداق بارز اصل اقتضای تعقیب است، معامله‌ای اتهام می‌باشد.

معامله اتهام قراردادی است که طرفین آن را متهم و دادستان تشکیل می‌دهند. درواقع، می‌توان گفت معامله اتهام قراردادی میان مقام تعقیب و متهم است که به موجب آن متهم در ازای اقرار به ارتکاب جرم از مزایایی برخوردار می‌شود. به بیان دیگر، معامله‌ای اتهام یک توافق در پرونده‌های کیفری است که به طور معمول، شامل موافقت متهم با پذیرش تقصیر نسبت به همه اتهامات یا بخشی از آن‌ها در عوض اغماض و تساهل می‌شود (۲). بر این اساس، باید گفت که معامله‌ای اتهام یکی از مهم‌ترین نهادهای کیفری است که در کشورهای دارای سیستم حقوقی کامن‌لا و برخی کشورهای

نظام رومی - ژرمنی استفاده می‌شود. این اصطلاح، به مفهوم هرگونه توافقی است که در پرونده کیفری میان متهم و دادستان رخ می‌دهد و موجب می‌شود تا از یک‌سو، متهم کلیه اتهامات وارده را بپذیرد و از سوی دیگر، دادستان مکلف می‌شود تا در راستای تبرئه متهم یا تخفیف در مجازات گام بردارد (۳).

معامله صورت‌گرفته میان دادستان و متهم می‌تواند قلمروهای متفاوتی را دربر گیرد. به عنوان مثال، معامله می‌تواند درخصوص میزان مجازات متهم، تعداد و یا نوع اتهامات وارده علیه متهم باشد. معامله درخصوص میزان مجازات را (معامله مجازات)^۱ گویند که براساس آن، متهم و دادستان پس از دستیابی به توافق درخصوص جرایم ارتكابی، درباره میزان مجازات با یکدیگر چانه‌زنی می‌کنند. در صورت حصول توافق میان دادستان و متهم درخصوص میزان مجازات، دادستان پیشنهاد مجازات‌های خفیف‌تر را به دادگاه ارائه می‌دهد. در حالت دوم که معامله‌ای اتهام در معنای خاص کلمه است، دادستان از برخی اتهامات خاص چشم‌پوشی می‌کند یا آن‌ها را تبدیل به اتهامات خفیف‌تر می‌کند تا از این طریق موجب کاهش مجازات متهم شود (۴).

به عبارت دیگر، در معامله اتهام، متهم در قبال متعهد شدن محکمه به تغییر نوع اتهام و تعدیل آن برای مجازات سبک‌تر یا حتی تبرئه شدن، می‌پذیرد که با محکمه جهت کشف و تعقیب جرم، همکاری‌های لازمه اعم از اقرار به جرم را داشته باشد. با این توضیحات باید گفت که معامله‌ای اتهام یکی از راهبردهای عملی (قراردادی شدن حقوق کیفری) است که در آن، به جای توسل به رویکرد سزاده و استفاده از ابزار سرکوب‌گر مجازات از شیوه‌ای قراردادی - ترمیمی برای حل مشکل جرم استفاده می‌شود.

گرچه معامله‌ای اتهام از موضوعات چالش‌برانگیز در نظام‌های کیفری است اما دلایل بسیاری برای توجیه کاربست آن برشمرده شده است که از آن جمله می‌توان به تسریع رسیدگی‌ها، صرفه‌جویی در منابع مالی، اقرار و پذیرش جرم ارتكابی، اظهار ندامت (۵) و پرهیز از برچسب مجرمانه (۳)

اشاره کرد. مخالفان نیز با دلایل دیگری همچون محکومیت بی‌گناهان، اجبار در حضور و تضمین‌های ناکافی، مخالفت خود را با این نهاد اعلام کرده‌اند (۵).

از حیث محدودیت‌های پژوهش حاضر باید به این نکته عنایت داشت که نهاد معامله اتهامی نه در چهارچوب نظام حقوقی کامن‌لا، بلکه به طور خاص در نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت. در همین راستا نیز باید توجه داشت که مبانی یا به تعبیری اصول مبنایی معامله اتهام مورد توجه قرار خواهد گرفت. همچنین چالش‌های مفهوم معامله اتهام و راهکارهای مواجهه با آن‌ها نیز در ادامه مطرح خواهد شد. به تعبیری احکام جزئی و مقررات راجع به نحوه اجرای معامله اتهام به صورت تفصیلی در پژوهش حاضر مدنظر نگارنده قرار ندارد.

در ادبیات نویسندگان حقوقی، آثاری در ارتباط با معامله اتهام وجود دارد. در همین راستا می‌توانیم به مقاله (ظرفیت‌های تعمیم نهاد معامله اتهام به نظام کیفری ایران) نوشته عطیعه عباسیان و حسن عالی‌پور مندرج در نشریه مطالعات حقوق تطبیقی اشاره کنیم. محور اصلی این مقاله در ارتباط با تعمیم و کاربست نهاد معامله اتهام در نظام حقوقی ایران می‌باشد؛ به تعبیری عمده تمرکز نویسندگان بر تحلیل نهاد مزبور با در نظر گرفتن مبانی و مفاهیم نظام حقوقی ایران می‌باشد. دو مقاله دیگر نیز در میان آثار نویسندگان وجود دارد که دقیقاً همین رویکرد را مد نظر قرار داده‌اند؛ یکی مقاله فرزانه مرادی و همکاران تحت عنوان (معامله اتهامی در فرآیند دادرسی کیفری با تأکید بر نظام حقوقی ایران) که تمرکز آن بر این امر است که معامله اتهامی یک تأسیس سازشی برای رسیدگی به پرونده‌های کیفری می‌باشد که ریشه در نظام حقوقی کامن‌لا دارد و منظور از آن یک نوع توافق دو سویه بین متهم و مقام تعقیب، با موضوع (اتهام) است؛ بدین شکل که در جریان چنین تعاملی، متهم با اقرار به جرم یا وعده هر نوع همکاری دیگر، مقام تعقیب را یاری می‌دهد و در مقابل، مقام تعقیب هم متعهد به تخفیف مجازات متهم یا تبرئه او می‌شود. از مزایای این نهاد کمکی است که در تسریع امر دادرسی و تورم زدایی از پرونده‌های کیفری در مراحل مختلف

رسیدگی می‌کند. اثر دوم، مقاله الهام حیدری تحت عنوان (معامله اتهام در حقوق کامن‌لا و نهادهای نزدیک به آن در دادرسی کیفری ایران) می‌باشد که رویکرد مشابهی را اتخاذ نموده است. همچنین در برخی آثار نیز، نویسندگان به بررسی نهاد معامله اتهام در چهارچوب محاکم کیفری بین‌المللی پرداخته‌اند که در این راستا می‌توانیم به مقاله فاطمه حصارپولادی و همکاران تحت عنوان (بررسی شرایط و آثار معامله اتهام در دادگاه‌های کیفری بین‌المللی) اشاره کنیم.

از حیث نوآوری پژوهش حاضر باید به این نکته توجه داشت که در آثار فوق، به طور خاص بررسی معامله اتهام در چهارچوب نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا به عنوان نظام حقوقی که نهاد مزبور در بطن آن متولد و تقویت شده است، مورد توجه قرار نگرفته است؛ در نتیجه در پژوهش حاضر هدف ما بررسی دقیق و موشکافانه نهاد مزبور در چهارچوب نظام حقوقی آمریکا با تأکید بر مبانی و چالش‌های پیش‌رو می‌باشد. با توجه به آنکه به زعم پژوهش‌گران، نظام کیفری آمریکا خاستگاه اصلی معامله اتهام است، این پژوهش که با روش تحلیل - توصیفی - تبیینی تنظیم شده است و روش گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و با ابزار فیش‌برداری از منابع مختلف از جمله قوانین و مقررات داخلی، کتاب‌ها و مقالات و به طور کلی نظرات حقوقدانان و نویسندگان حقوقی می‌باشد، درصدد است تا با بررسی وضعیت معامله اتهام در این کشور، مهم‌ترین نظرات موجود در این حوزه را شناسایی کند. بدین دلیل، پس از مفهوم‌سازی نهاد کیفری معامله اتهام، تلاش می‌شود تا ادله موافقان و مخالفان در نظام کیفری آمریکا بررسی و در نهایت، مهم‌ترین مقرره‌های موجود در این کشور تحلیل شوند.

مفهوم‌سازی

با توجه به اینکه، اصطلاح (Plea Bargaining) از ترکیب دو کلمه (Plea) به معنای درخواست (۶)، دادخواست (۷)، دفاع (۸)، دفاعیه (۹)، عرض‌حال (۱۰)، مدافعه (۱۱) و (Bargaining) به معنای داد و ستد (۷)، معامله (۹)، توافق (۶)، مذاکره کردن، چانه زدن (۱۲) و تعهد متقابل می‌باشد، در

بیان معنای لغوی این اصطلاح، درخواست یا دادخواست معامله، تقاضای مذاکره، و مدافعه چانه‌زنی را می‌توان ذکر کرد. در برخی کتب، (Plea Bargaining) را (Plea Negotiation) و (Plea Agreement) هم می‌گویند که تقریباً گویای همان معنای یاد شده هستند. برای این اصطلاح معانی از قبیل (توافق قبل از محاکمه) (۱۰) و (معامله اتهام) (۱۳) یا (معامله اتهامی) نیز آورده شده که ظاهراً دو معنی اخیر کاربرد بیشتری در متون حقوقی فارسی‌زبان داشته است و در کتب و مقالاتی که از اصطلاح (Plea Bargaining) استفاده شده غالباً معنای اخیر یعنی (معامله اتهام) یا (معامله اتهامی) در مقابل آن ذکر شده است.

فرهنگ بلک (۱۴) معامله اتهام را (توافق حاصل از مذاکره میان متهم و دادستان می‌داند که براساس آن، متهم بازاری اقرار به ارتکاب جرم، با اتهام نسبت به یک جرم سبک‌تر و یا نسبت به یکی از اتهامات چندگانه مجازات می‌شود). برخی دیگر از صاحب‌نظران نیز معتقدند که معامله اتهام توافقی است میان متهم و دادستان که به موجب آن متهم، در عوض پذیرش تقصیر، نسبت به اتهام سبک‌تر یا اتهامات کمتری پاسخگو خواهد بود و در کل مورد تساهل قرار خواهد گرفت (۱۵). این تساهل در حقوق کامن‌لا یا به شکل تبدیل اتهام متهم، به یک (اتهام سبک‌تر)^۱ و یا به صورت (تخفیف نسبت به مجازات)^۲ است؛ بدین معنا که (اتهام سبک‌تر) متضمن کاهش اتهام به جرمی سبک‌تر در مقابل پذیرش تقصیر است و (تخفیف نسبت به مجازات) دربردارنده جلب موافقت دادستان به تقاضای مجازاتی خفیف‌تر برای متهم در قبال پذیرش تقصیر خواهد بود (۱۴). به عبارت دیگر، در معامله اتهام، متهم در قبال متعهد شدن نظام قضایی به تغییر نوع اتهام و تعدیل آن برای مجازات سبک‌تر یا حتی تبرئه شدن، می‌پذیرد که هرگونه همکاری لازمه اعم از اقرار و اعتراف را با محکمه جهت کشف جرم و تعقیب آن جهت انجام دهد. براساس توافق صورت گرفته در معامله اتهام، از یک‌سو، متهم می‌پذیرد که از طریق قبول مجرمیت (۱۶) و همکاری مؤثر با نظام عدالت

کیفری در قالب‌هایی چون معرفی شرکا، ارائه ادله جرم و ... به کشف حقیقت کمک کند و از سوی دیگر، مقام تعقیب متعهد می‌شود تا در جهت کاهش بار مسئولیت متهم اقدام کند. این امر می‌تواند از طریق تبرئه، تخفیف مجازات یا به حداقل رساندن عناوین اتهامی منتسب به متهم حاصل شود. لذا، در معامله اتهام، فروض و حالات مختلفی در راستای کاهش مسئولیت متهم متصور می‌شود. به عنوان مثال، ممکن است جرم مشدد او پس از معامله اتهام تبدیل به یک جرم ساده شود. در حالتی که متهم مرتکب جرایم متعدد شده باشد، معامله اتهام موجب می‌شود تا وی فقط به یک عنوان اتهامی روانه دادگاه شود. لذا در این شرایط از سایر اتهامات وی چشم‌پوشی می‌شود. فرض سوم نیز ناظر بر حالتی است که معامله اتهام موجب تخفیف در مجازات شود. تمامی این فروض و حالات نشان می‌دهد که معامله اتهام، یک نهاد سازش‌مدارانه مبتنی بر توافق متهم و نهادهای کیفری و یکی از بهترین شیوه‌های قضا‌دایی نسبی است؛ زیرا در این روش، با وجود حفظ قدرت و موجودیت حقوق کیفری، نگرش‌های سرکوب‌گرانه سیاست کیفری تعدیل می‌شود و اراده متهم در نظام تعیین کیفر مورد توجه قرار می‌گیرد.

در نظام‌های دادرسی کیفری که در آن‌ها معامله اتهام به رسمیت شناخته شده است، دادستان پس از تفهیم اتهام، این اختیار را دارد که درخصوص شروع فرآیند رسیدگی و یا ارائه پیشنهاد معامله اتهام به متهم تصمیم‌گیری کند. اگرچه نقش قضات دادگاه‌ها در معامله اتهام رو به فزونی است، اما معامله اتهام عمدتاً به‌عنوان یک توافق میان متهم و دادستان لحاظ می‌شود (۲). دلیل چنین امری را می‌توان در قدرت قضات برای تعیین مجازات و عدم امکان تحمیل نوع و میزان مجازات تعیین شده در فرآیند معامله اتهام از سوی طرفین پرونده به آن‌ها جستجو کرد. بر این اساس، تخفیف مجازات تنها به صورت یک پیشنهاد به دادگاه ارائه می‌شود و به همین دلیل، دادگاه در قبول یا رد آن اختیار مطلق دارد.

ادله موافقان و مخالفان

با وجود آنکه معامله اتهام به بخش مهمی از فرآیند کیفری در آمریکا تبدیل شده است اما درخصوص وجود یا عدم وجود

1. Charge Bargain
2. Sentence Bargain

این نهاد در نظام کیفری آمریکا، نزاع‌های بسیاری میان اندیشمندان در گرفته است. به طور کلی، موافقان با تأکید بر مسائلی نظیر جرم‌زایی نظام کیفری، شکست نظام اصلاح و درمان و پیشگیری از برچسب مجرمانه به دنبال آن هستند تا این نهاد را تقویت کنند. در نقطه مقابل، مخالفان با تأکید بر پیامدهایی چون اجبار در حضور، محکومیت بی‌گناهان و تضمین‌های ناکافی مخالف اجرای این نهاد هستند. از این‌رو، در این قسمت تلاش می‌شود تا مهم‌ترین ادله موافقان و مخالفان بحث شود.

ادله موافقان

مهم‌ترین دلایل موافقان در باب وجود نهاد معامله اتهام و رشد آن در نظام کیفری عبارت است از جرم‌زایی نظام کیفری، شکست نظام اصلاح و درمان و پیشگیری از برچسب مجرمانه.

جرم‌زایی نظام عدالت کیفری

فرآیند کیفری در معنای عام به سه مرحله قانونگذاری، دادرسی و اجرای کیفر اطلاق می‌گردد. در معنای خاص، فرآیند کیفری مجموعه اقدامات قانونی است که به منظور رسیدگی و اجرای قانون توسط نظام عدالت کیفری صورت می‌گیرد. در این شرایط و پس از اثبات مجرمیت، واکنش نظام عدالت کیفری علیه بزهکار، مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی است. با این حال، اگر واکنش‌های عدالت کیفری عادلانه و در چارچوب اصول ناظر بر واکنش‌های کیفری باشد، مشروع خواهد بود (۱۷) و اگر واکنش خارج از چارچوب و اصول باشد، نظام کیفری به اهداف عینی و ذهنی خود همچون اصلاح و تربیت بزهکار و اجرای عدالت دست نخواهد یافت. با این حال، نتیجه واکنش نامتناسب و نامشروع در اغلب موارد افراد را به سمت جرم و تکرار آن سوق می‌دهد. طبق نظریه برچسب‌زنی، نظام تقنینی - قضایی در دو مرحله قانون‌گذاری و اجرای حکم، جرم و مجرم را تولید می‌کنند. جرم را قانون‌گذار تعریف می‌کند، فرد مرتکب می‌شود و دستگاه قضایی با برچسب مجرمانه، مرتکب را مجازات می‌کند.

منتقدان با طرح نظریه جرم‌شناسی‌های واکنش اجتماعی و الواکرایی کیفری معتقدند که مقنن کیفری و ساختار عدالت کیفری با پشتوانه اعتباری خویش، جرم‌انگاری نموده و تولید جرم می‌نماید. و همچنین با کیفردهی مبتنی بر همان سیستم قانون‌گذاری، مجرم را مجازات می‌کند و او را وارد جرگه بزهکاران می‌کند. بدین ترتیب این سیستم قانون‌گذاری و کیفردهی است که می‌تواند موجب تورم کیفری و افزایش سیاهه بزهکاران شود. بدین‌سان، نظام کیفری از طریق فرآیند جرم‌انگاری با محدود کردن فضای آزاد اندیشیدن و آزاد زیستن، شهروندان را در معرض مجرم شدن قرار می‌دهد.

به عقیده بکر به عنوان یکی از متخصصان این حوزه، تفاوت واقعی میان بزهکاران و ناکرده‌بزه‌ها را باید در چگونگی و نحوه برخورد نظام عدالت کیفری، پلیس و کارگزاران کنترل اجتماعی جستجو کرد. این تفاوت درواقع بستگی به درجه کارایی و میزان فعالیت کارگزاران کیفری دارد؛ زیرا هنگامی که فرد وارد نظام کیفری می‌شود، افکار عمومی و حتی کارگزاران نظام کیفری تحلیل درستی از مفاهیم مظنون، متهم و مجرم ندارند و به همین دلیل، همه افراد را مشابه هم می‌دانند (۱۸). این تعامل امکان سازگاری فرد را با ذهنیت برچسب ایجادشده محقق می‌سازد و موجب می‌شود تا فرد هویت مجرمانه را پذیرفته و دنیای جرم را انتخاب کند.

نظریه‌پردازان برچسب‌زنی، به دلیل پیامدهای احتمالی و منفی فرآیند برچسب‌زنی بر این باورند که بدنامی ناشی از مداخله رسمی نظام کیفری، به ویژه و به خوبی می‌تواند افراد را به سوی فعالیت در حرفه‌های مجرمانه سوق دهد. از این‌رو، دیدگاه برچسب‌زنی یادآور می‌شود که واکنش نظام جزایی در برابر رفتارهای مجرمانه، باید مبتنی بر نوعی سیاست متغیر باشد. به عنوان مثال، نظریه‌پردازان خاطر نشان می‌کنند که نباید اجازه داد که جرم‌های کمتر خطرناک با برخوردهایی مانند بازداشت، حضور در دادگاه و ... مواجه شوند. بلکه بر عکس، به نظر آن‌ها، واکنش در برابر این نوع جرایم، باید مبتنی بر اصل عدم مداخله یا دست‌کم اصل کم‌ترین مداخله باشد. بنابراین بر پایه این استدلال که مداخله نظام عدالت کیفری نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای دارد و آثار ماندگار بر جای

می‌گذارد، باید مداخله کیفری را به شکلی حساب شده به کار بست و از نهادهایی چون معامله اتهام استفاده کرد (۱۸).

شکست نظام اصلاح و درمان

آنچه از آثاز گذشتگان اعم از جوامع باستان و آثار فلاسفه مهم یونان مانند افلاطون و ارسطو بر جای مانده گویای این امر است که انسان‌ها همواره با تأکید بر مفهوم زندگی و ارزش زیستن، سعی در اصلاح مجرمان و باز پرودن آنها داشته‌اند (۱۹). لکن هر درمان و اصلاحی متوقف بر شناخت آن پدیده است. از این‌رو، علم جرم‌شناسی برای شناختن جرم و علت‌های آن، متکفل این رسالت مهم بوده است و البته رشد چشمگیر خود در یکی دو قرن اخیر را مرهون تلاش‌های مکتب تحقیقی و جمبش دفاع اجتماعی نوین است. مطالعه دیدگاه‌های موجود درباره اصلاح مجرمان نشانگر اختلاف درباره مفهوم اصلاح است (۲۰).

اصلاح یک فرد مجرم، پروسه درمانی طولانی و عمیق و پیچیده برای افزایش ظرفیت سازش‌پذیری او با جامعه با رعایت تأمین شرایط امنیت جامعه است. این مهم توأم با تعامل در فضایی آرمانی و ارزشی است که از آن به Reform هم تعبیر می‌شود. از سویی تأثیرپذیری انسان از محیط و اطرافیان، ضمانت بقای تغییرات و حتی ایجاد اصلاحات شخصیتی را صعب می‌نماید به طوری که برخی قائل به رویایی بودن آن هستند و اصطلاح بازپروری^۱ و بازسازی با جامعه را مناسب‌تر می‌دانند. اصلاح در معنای عام آن عبارت است از تغییر در روحیات، باور پیدا کردن به بد بودن اعمال غیر اخلاقی و جرایم، اراده جدی بر این امر که دیگر مرتکب رفتارهای جرم‌انگاری شده نشود. اصطلاح اصلاح و درمان^۲ در معنای حقوق کیفری نیز به معنای اقدامات روانپزشکی و پزشکی متهم است که بعد از تغییرات اخلاقی متهم انجام می‌شود (۲۱).

چنانچه ذکر شد اصلاح و بازپروری مجرمان قدمتی طولانی دارد که ریشه در این باور دارد که آنها نیز مانند بقیه

انسان‌ها هستند و مجرم شدن آنها معلول شرایط و عواملی روانی است که در اکثر موارد هر انسان دیگری را نیز وادار به ارتکاب جرم می‌نمود. از این‌رو معتقدند ذات آنها نیز مانند سایرین است و قابلیت اصلاح دارد و تربیت‌پذیرند. از این‌رو مفهوم بازپروری بزهکاران به کمک عوامل و سازوکارهای نظام عدالت کیفری در راستای اصلاح و درمان رفتارهای بزهکاران و تربیت و بازسازی شخصیت آنان رفته رفته جایگاه خویش را پیدا کرد. این رویکرد با واقع‌بینی و نگرش علت‌شناختی توانست ریشه‌های بزهکار شدن افراد را تشخیص و با درمان‌های مؤثر و متناسب برای هر مجرم، کارآمدی خود را برای رهبران نظام عدالت کیفری و همچنین نگرش جامعه به پتانسیل بالای بزهکاران را تثبیت کند. نظام عدالت کیفری در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ میلادی با هدف سودمند واقع شدن مکانیسم‌های ساختاری خویش و ممانعت از تکرار بزه، تصمیمات تازه و خاصی در راستای بازپروری بزهکاران گرفت تا آنان بتوانند همچون دیگران مجدداً زندگی سالمی را در جامعه تجربه کنند (۲۲). طرفداران رویکرد بالینی جرم‌شناسی و اصلاح و درمان متکی به این رویکرد، با افزایش جرایم خیابانی و نوجوانان در دهه ۶۰ و ۷۰، با معضلات جدی روبه‌رو شدند. افرادی همچون مارتینسون با ادعای (هیچ چیز مؤثر نبوده؛ هیچ چیز جابه‌جا نشده)^۳ به یکباره خط بطلان بر تمام یافته‌ها و ادعاهای مکتب اصلاح و بازپروری بالینی کشیدند و از تحقیقات خود چنین نتیجه گرفتند که اقدامات اصلاحی و درمانی مذکور پرهزینه و ناکارآمد و دیربازده هستند چرا که صفات نابهنجار زندانیان به واسطه ورود به زندان و مؤانست با دیگر مجرمان، تثبیت گشته و با روحیاتی شروتر به جامعه باز می‌گردند. مارتینسون در ۱۹۷۴ طی تحقیقی که بر اقدامات اصلاحی مابین سال‌های ۱۹۴۵ تا ۱۹۶۷ انجام شده بود گزارشی تهیه کردند که نشان می‌داد ۵۵ تا ۶۰ درصد زندانیان مجدداً مرتکب بزه شده و دستگیر شده‌اند (۲۳). از این‌رو، وقتی انتقادات بر مکتب اصلاح و بازپروری زندانیان اوج گرفت، به صرافت حبس زدایی افتادند و معامله اتهام نیز در همین فضا جایگاه خودش را پیدا کرد.

1. Rehabilitation

2. Treatment

3. Nothind works; nothing moves

پرهیز از برچسب مجرمانه

نظام عدالت کیفری در پرتو راهبرد سنتی، معمولاً به دنبال آن است تا اتهام را در فرآیند کیفری به مجرمیت تبدیل کند. این سیاست به الصاق برچسب مجرمانه می‌انجامد. داوری منفی نسبت به متهم و بزهکار زمانی تقویت می‌شود که متهمان برای مدت طولانی در فرآیند کیفری حضور یابند. از این رو، نظریه برچسب‌زنی بیان می‌دارد که بزهکاری فرایندی اجتماعی است که در نتیجه کنش و واکنش‌های جامعه شکل می‌گیرد، که موتور محرکه آن اعم از تولید جرم و عاقبت مجرمین، تحت تأثیر تصمیمات نظام عدالت کیفری می‌باشد.

متولیان سیاست جنایی برای گریز از این مهلکه سعی کردند که با کاهش سیاهه بزهکاران به کمک سازوکارهایی اعم از قضازدایی، از مجرم شدن افراد و نتیجتاً ورود آنان به فرآیند کیفری جلوگیری نمایند. با این اقدامات، عمده متهمین، در مراحل ابتدایی رسیدگی و فرآیند کیفری، از چرخه مجرمیت خارج، و امکان برچسب مجرمانه خوردن به آنها بسیار اندک می‌شد (۲۴). نگارنده معتقد است کاهش مدت استقرار بزهکار در گستره عدالت کیفری، از دلایل روی‌آوری به قضازدایی است. حقوقدانان نیز همواره در تلاش هستند تا با ارائه راهکارهای مناسب به دادرسی سرعت بخشند و اجرای عدالت را در کمترین زمان، میسر سازند و اعتماد اشخاص به دستگاه قضایی را سرعت بخشند. بنابراین یکی از راهکارهای مهم و مؤثر در این حوزه، توسل به راهبردی چون معامله اتهام است.

ادله مخالفان

مهم‌ترین دلایل مخالفان درخصوص رد یا تحدید دامنه معامله اتهام عبارت است از اجبار در حضور، خطاهای قضایی و تضمین‌های ناکافی.

اجبار در حضور

از دهه ۸۰ میلادی، معرفی قانون حداقل مجازات اجباری، دستورالعمل مجازات و همچنین لغو قانون آزادی مشروط برای زندانیان فدرال، باعث رشد چشمگیر مدت زمان احکام زندان در سیستم فدرال و ایالتی آمریکا شده است (۲۵). به موازات

افزایش مدت زمان حبس، امتیازات قبول جرم برای متهم نیز افزایش یافته است؛ بدین معنا که متهم از طریق اقرار به ارتکاب جرم و در قالب معامله اتهام می‌تواند از میزان مجازات قانون بکاهد. با این حال، حضور در معامله اتهام همواره با رضایت کامل و میل قلبی متهم همراه نیست (۲۶).

یکی از مهم‌ترین انتقادات وارده بر معامله اتهام آن است که مسئله تخفیف در مجازات امری است که تمامی متهمان را ترغیب می‌کند تا وارد معامله شوند. این امر در برخی موارد موجب شکل‌گیری اجبار روانی/ذهنی برای حضور در فرآیند معامله اتهام می‌شود (۲۷). به عبارت دقیق‌تر، زمانی که فرد خود را در معرض مجازات می‌بیند، فشار روانی واردشده بر او موجب می‌شود تا به هر امری متوسل شود تا از مجازات رهایی یابد. این شکل از اجبار را می‌توان شکلی از اجبار روانی در نظر گرفت. به همین دلیل، یکی از نقدهای اساسی معامله اتهام قهری و اجباری بودن آن است. جان لانگبین، استفاده از معامله اتهام را با شکنجه مقایسه می‌کند و هر دو را اجباری و مستلزم محکومیت بدون قضاوت می‌داند (۲۸). منتقدین به طور یکنواخت اشاره به مجازات‌های سنگین‌تر دارند که نسبت به متهمی صادر می‌شود که حق دادرسی خود را اعمال می‌کنند (۲۹). گزارش محققان راجع به متهمانی که رسیدگی به اتهامات آن‌ها در دادگاه صورت می‌گیرد و به زندان محکوم می‌شوند چهار برابر نسبت به کسانی هستند که به جرم اقرار می‌کنند (۳۰).

در مقام نظر، اگر دادستان تلاش کند تا متهم را مجبور به ورود به معامله اتهام کند، وکیل مدافع متهم باید مانع این امر شود و به موکل خود پیشنهاد رد معامله اتهام را بدهد. اما در عمل، وکلای مدافع به خاطر حجم زیاد پرونده‌ها، کمبود منابع مالی و قوانین محدودکننده تحقیقات، نمی‌توانند این وظیفه خود را انجام دهند. وکلای مدافع، قدرت تجسس، احضار و یا رد شاهد را ندارند و هم‌زمان، اکتشافات پیش از معامله نیز محدود است. به علاوه، زمانی که وکلای مدافع با تعداد پرونده‌های زیاد روبه‌رو و به ازای هر پرونده مبلغی ثابت دریافت می‌کند، آن‌ها تشویق می‌شوند تا هرچه سریع‌تر هر پرونده را حل و فصل کنند. از سوی دیگر حجم پرونده‌های

خطاهای قضایی

اگرچه اعتراض عمومی نسبت به نهاد معامله اتهام بر نتایج تساهل‌آمیز مبتنی بر آن متمرکز است (۳۶)، اما، بیشتر نویسندگان حقوقی بر مشکل بی‌گناهی تکیه می‌کنند؛ یعنی، این احتمال که متهم بی‌گناه تنها بدین دلیل که از نتیجه سنگین‌تر محکومیت اشتباه در محکمه می‌ترسد، پیشنهاد معامله اتهام را بپذیرد (۳۷).

مطالعات تجربی نشان می‌دهد که متهمان بی‌گناه در چهار شرایط خاص بیشترین ریسک را برای ورود به معامله اتهام و قبول جرم دارند. (۱) زمانی که میان مجازات قانونی و مجازات ناشی از معامله، اختلاف زیادی وجود داشته باشد (۳۸). (۲) زمانی که مجازات قانونی، حبس باشد ولی معامله اتهام موجب آزادی مشروط شود (۳۹)، (۳) زمانی که معامله اتهام مجازات اعدام را به حبس تبدیل کند (۴۰) و در نهایت، (۴) هنگامی که مدت بازداشتی به عنوان مجازات محسوب شود (۴۱).

با این حال، همان‌طور که چرچ^۱ بیان می‌کند، نمی‌توان معامله اتهام را به خاطر چنین احتمالاتی مورد انتقاد قرار داد؛ زیرا، متهم بی‌گناه از محکوم شدن می‌ترسد و بر این اساس که به تصور او معامله اتهام می‌تواند این خطر را کاهش دهد آن را می‌پذیرد. در نتیجه، اگر معامله اتهام ممنوع شود، چنین متهمی با خطر مجازات سنگین‌تر پس از محاکمه مواجه خواهد بود. هرچند این انتخاب سخت است، اما، ممنوعیت معامله اتهام به منظور مجبور کردن این متهمان به پذیرش خطر محاکمه نمی‌تواند از آن‌ها حمایت لازم را به عمل آورد (۴۲). حتی، برخی نویسندگان نیز معتقدند که به طور خاص در جرایم سبک، انتظار محاکمه، هزینه وثیقه و نیز از دست دادن زمان، متهم را رنج می‌دهد و او از این باب، با وجود بی‌گناهی، به سمت پذیرش تقصیر سوق پیدا می‌کند. طرفداران این نهاد اشاره می‌کنند که مطالعات تجربی مؤید این است که بازداشت موقت بر تمایل متهمان نسبت به معامله می‌افزاید (۴۳). درواقع، زمانی که فرآیند دادرسی کیفری که ساخته بشر است و همچون خود او مصون از خطا

زیاد می‌تواند دادستان را مجبور کند تا تخفیفات شدیدی را برای متهمین لحاظ کند تا بتواند هرچه سریع‌تر پرونده‌ها را حل و فصل کند.

مجموع نکات فوق موجب می‌شود تا اجبار روانی در برخی موارد شکل جدی‌تر به خود می‌گیرد. این امر به ویژه در موردی است که عنوان اتهامی دارای مجازات بسیار شدید باشد. به عنوان مثال، در پرونده دولت علیه بریدی، متهم به این نکته اشاره کرد که توسط نهادهای کیفری تهدید شده که در صورت مجرمیت به مجازات اعدام محکوم خواهد شد و همین امر موجب شده تا بریدی با وجود بی‌گناهی و به دلیل ترس از اعدام وارد معامله اتهام شود (۳۱).

نتایج یک تحقیق در ایالت جورجیا در فاصله سال‌های ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۰ نشان داد که ترس از مجازات اعدام، عامل مهم برای پذیرش معامله اتهام توسط متهمان بوده است. براساس یافته‌های این پژوهش، تهدید به مجازات اعدام، احتمال وقوع معامله اتهام را ۲۰ تا ۲۵ درصد افزایش می‌دهد (۳۲). با وجود آنکه این گزارش به تأثیر تهدید مجازات اعدام بر احتمال قبول جرم توسط افراد بی‌گناه توجه نداشته، اما یافته‌های مطالعات دیگر نشان می‌دهد که ترس از اعدام در بسیاری پرونده‌ها موجب شده تا متهمان بی‌گناه به جرم نکرده اقرار کنند و وارد معامله شوند (۳۳).

حالت دیگری که موجب اجبار در فرآیند معامله اتهام می‌شود، ناظر بر زمانی است که متهم مدتی در بازداشت باشد و دادستان به وی پیشنهاد دهد که در صورت پذیرش جرم، مدت زمان بازداشت به عنوان مجازات در نظر گرفته می‌شود. یافته‌های مطالعات در شهرهای نیویورک، نیوجرسی و واشنگتن نشان داد که این امر عامل مهمی است که موجب می‌شود افراد به صورت دورغین اقرار به ارتکاب جرم کنند (۳۴). در این جرایم، متهمان به دلیل عدم توانایی در ارائه وثیقه برای مدت‌های طولانی بازداشت می‌شوند. به همین دلیل، پس از مدتی با پیشنهاد معامله دادستان مواجه می‌شوند. در این شرایط، متهمان به دلیل خستگی ناشی از ایام بازداشت و بلا تکلیفی عمدتاً پیشنهاد معامله را می‌پذیرند و حتی در صورت عدم ارتکاب جرم، وارد معامله می‌شوند (۳۵).

نیست، این قابلیت را دارد که متهمان بی‌گناه را به مجازات بکشد. باید به این متهمان این امکان را داد که چنین فرآیندی را دور بزنند و معامله اتهام همین نقش را ایفا می‌کند (۴۴). با این تفسیر، معامله اتهام قراردادی است که حتی درخصوص متهمان بی‌گناه هم برای هر دو طرف سودمند خواهد بود. البته، تعداد زیادی از نویسندگان حقوقی معتقدند که احتمال پذیرش تقصیر از سوی متهمان بی‌گناه بسیار کم است و اساساً چنین ایرادی متوجه این نهاد نیست. بدین توضیح که در فرآیند معامله، دادستان‌ها پیشنهاد خود را با احتمال محکومیت متهم و نیز مجازاتی که پس از محاکمه متوجه او خواهد شد، تطبیق می‌دهند. در مقابل، متهمان هم که در آرزوی کاهش مجازاتند تمایل خود نسبت به معامله را براساس همین دو عامل نشان می‌دهند. تنها تفاوتی که میان متهم و دادستان در این خصوص وجود دارد این است که متهمان به واقع می‌دانند که گناهکارند یا نه. در عین حال، اساساً محاکمات کیفری به گونه‌ای طراحی شده‌اند که حقیقت را آشکار سازند. لذا، متهم بی‌گناه به طور صحیحی تخمین خواهد زد که احتمال براءت او بالا است و تسلیم پیشنهاد دادستان نخواهد شد. بنابراین معامله اتهام راهکاری است که متهمان بی‌گناه را از مجرمان واقعی جدا خواهد کرد (۴۵).

تضمین‌های ناکافی

یکی دیگر از کاستی‌های معامله اتهام در نظام کیفری آمریکا، عدم شفافیت این فرآیند است. معامله اتهام قراردادی است که طرفین به صورت خصوصی مفاد آن را تنظیم می‌کنند و به همین دلیل، هیچ‌گونه نظارت عمومی در این حوزه وجود ندارد. علاوه بر آن، توافقات صورت گرفته به ندرت مکتوب یا بایگانی می‌شود. بر این اساس، فقدان ثبت و شفافیت موجب می‌شود تا از یک‌سو، احتمال خطا در این مراحل افزایش یابد و از سوی دیگر، پژوهش‌های آماری در این حوزه با چالش مواجه شود. علاوه بر آن، فقدان نظارت عمومی امری است که نگاه جامعه را نسبت به این نهاد مخدوش کرده است (۴۶).

افزون بر عدم شفافیت، معامله اتهام به طور فزاینده‌ای متهمان را مجبور می‌کند تا از حقوق اجرایی خود، که به منظور دستیابی به حقیقت و عدالت طراحی شده‌اند، صرف‌نظر کنند؛ زیرا ذات معامله اتهام شامل ابطال شماری از حقوق متهم است. این حقوق شامل حق سکوت، حق مواجهه با شاهدین، حق محاکمه علنی و حق رسیدگی به پرونده در دادگاه با حضور هیأت منصفه است. با این وجود، به عنوان بخشی از مذاکرات معامله اتهام، دادستان‌ها به طور معمول تلاش می‌کنند تا حقوق بیشتری را برای متهم باطل سازند که از آن جمله می‌توان به حق درخواست تجدیدنظرخواهی نسبت به اعتبار معامله اتهام و مجازات آن، حق تحقیق و جست‌وجو، حق استناد به آزمون DNA بعد از محکومیت و حق به چالش کشیدن وکیل اشاره کرد (۴۷). این گونه ابطال حقوق متهم باعث می‌شود تا نهاد معامله اتهام از بازنگری قضایی مصون بماند. در نتیجه فقدان این گونه بازنگری، به دادستان این اجازه را داده است تا بدون توجه به خطاها و اشتباهات به کار خود ادامه دهد.

ارزیابی معامله اتهام در قانون و رویه قضایی آمریکا

خاستگاه معامله اتهام، حقوق جزای ایالات متحده آمریکا است و از آنجایی آغاز شد که برای جرائم با تبعات نه چندان سنگین اجتماعی و بدون قربانی، همچون فروش بدون مجوز مشروبات الکلی به کار گرفته شد و البته بعدها حتی به جرایم سنگینی همچون قتل عمد نیز تعمیم داده شد (۴۸). از لحاظ زمانی در سال‌های ۱۷۸۰-۱۹۰۰ برای اولین بار این اصطلاح در ایالت ماساچوست به کار رفت. امروزه در کشورهای کامن‌لا همانند انگلستان، ولز و کانادا نیز از نهاد معامله متهم استفاده می‌کنند (۴۹).

با این حال، برای آنکه بتوان نهاد معامله اتهام را به درستی شناخت، ابتدا باید دریافت که قانون‌گذار برای متهمان چه حقوقی را در نظر گرفته است و نهاد معامله اتهام در برخورد با این حقوق چگونه عمل می‌کند. مهم‌ترین بندهای تأثیرگذار بر نهاد معامله اتهام در متمم‌های پنجم و ششم قانون اساسی آمریکا آمده است. براساس متمم پنجم قانون اساسی (هیچ

شخصی به سبب ارتکاب جرم سنگین یا جرم نامعین مسؤول شناخته نخواهد شد، مگر براساس کیفر خواست یا اعلام جرم هیأت عالی منصفه. هیچ‌کس برای یک جرم دو بار به حبس یا اعدام محکوم نخواهد شد. هیچ‌کس در هیچ مورد کیفری به ادای شهادت علیه خود مجبور یا از زندگی آزاد و دارایی خویش بدون طی مراحل قانونی لازم محروم نخواهد شد. اموال خصوصی بدون پرداخت غرامت عادلانه مورد استفاده عمومی قرار نخواهد گرفت).

قانون‌گذار طی این متمم دو حق برای متهم قائل می‌شود که به صورت مستقیم در نهاد معامله اتهام تأثیر داشته‌اند. اول اینکه هیچ شخصی بدون محاکمه در دادگاهی با حضور هیأت منصفه مجرم شناخته نمی‌شود و دوم اینکه هیچ‌کس در هیچ مورد کیفری مجبور به ادای شهادت علیه خود / اقرار نیست. با وجود مبرهن بودن این حقوق، در عمل نهاد معامله اتهام می‌تواند حقوق اساسی متهم را به شرح مندرج در متمم پنجم قانون اساسی نادیده بگیرد.

براساس متمم ششم قانون اساسی آمریکا (در کلیه دادرسی‌های کیفری، متهم از حقوقی همچون حق محاکمه سریع و علنی توسط هیأت منصفه، حق آگاهی از ماهیت و دلیل اتهام، حق جرح شاهد، احضار شهود له خود و حق داشتن وکیل برای دفاع از خود برخوردار است).

با توجه به این بند می‌توان دریافت که دولت فدرال و ایالتی در مقابل متهم موظف به برقراری ضوابط یاد شده می‌باشد. متمم ششم قانون اساسی آمریکا قدرتی است که در اختیار متهمان قرار داده شده تا از این طریق بتوانند از خود در برابر اتهامات دفاع کنند. مطمئناً قانون‌گذاری که این متمم را در سال ۱۷۹۱ به تصویب رسانده‌اند، تصویری از نهاد معامله اتهام به صورت امروزی نداشته‌اند، اما با گذشت زمان این متمم، اساس شکل‌گیری نهاد معامله اتهام شد.

قانون‌گذاران آمریکایی تاکنون استقلال خاصی را برای معامله اتهام در نظر گرفته و تلاش کرده‌اند تا محدودیت‌های بسیار ناچیزی را بر آن اعمال کنند (۵۰). با وجود نقش عمده معامله اتهام در سیستم قضایی ایالات متحده آمریکا، قوانین بسیار کمی بر این رویه نظارت می‌کنند. دادگاه عالی ایالات

متحده قیود محدودی را براساس بندهای چهارم، پنجم و ششم قانون اساسی و حق متهم مبنی بر عدم متهم کردن خود^۱ بر معامله اتهام اعمال کرده است (۵۱).

در سال ۱۹۷۰ دادگاه عالی آمریکا درخصوص پرونده بریدی در برابر ایالات متحده^۲ تصمیم گرفت که از آنجایی که متهم با قبول جرم^۳ و ورود به معامله اتهام حق خود برای برگزاری دادگاه را از دست داده است، لذا معامله صورت گرفته منطبق بر عدالت و انصاف نیست. دادگاه‌ها معتقدند تهدید به مجازات‌های سنگین (حتی مجازات اعدام) در صورت مجرم شناخته شدن در دادگاه دال بر اجباری بودن قبول جرم متهم نیست. در عمل، سیستم قضایی از ترفندهای بسیاری برای ترغیب یا تهدید متهمان برای قبول معامله اتهام استفاده می‌کند اما تقریباً فقط در شرایطی که اعتراف به جرم ناشی از تهدید فیزیکی متهم باشد، دادگاه اعتراف وی را قبول نخواهد کرد. به عنوان مثال، تهدید به صدور کیفر خواست برای جرایمی سنگین‌تر و یا تهدید به صدور کیفر خواست علیه خانواده متهم، هیچ‌کدام اجبار در معامله اتهام تلقی نمی‌شود.

بدین‌سان، یکی از نکات مهم درخصوص معامله اتهام در آمریکا آن است که آگاهی متهم به عناصر اصلی آنچه به آن اعتراف می‌کند باید به تأیید قاضی برسد^۴. در اکثر حوزه‌های قضایی نیز رویه اجرایی و مقررات قاضی را ملزم می‌کند تا متهم را از نتایج مستقیم معامله اتهام درخصوص پرونده‌اش آگاه سازد^۵ و حقوقی را که به واسطه این معامله از دست می‌دهد به او ذکر کند. با این وجود، این امکان وجود دارد که دادستان ادله و شواهدی که به نفع متهم است را اعلام نکند و به نوعی در معامله حاصله تأثیر بگذارد. همچنین، قضات موظف به بیان حداقلی از موارد مشاوره‌ای هستند.

با وجود آنکه دادگاه‌های فدرال و ایالتی هر دو بر این باور هستند که قبول جرم و به تبع آن معامله اتهام باید براساس

1. self-incrimination

2. Brady v. United States

3. guilty plea

۴. براساس نظر دادگاه درخصوص پرونده هندرسون برابر مورگان، ۱۹۷۶.

۵. براساس نظر دادگاه درخصوص پرونده ایالات متحده در برابر ریورا - مالدونادو، ۲۰۰۹.

کرد. با این حال، مهم‌ترین اصلاحات ساختاری را می‌توان شامل کاهش اجبار، افزایش دقت و شفافیت در معامله اتهام دانست.

کاهش اجبار در فرآیند معامله اتهام

یکی از اصلاحات مهم برای بهبود شرایط معامله اتهام در آمریکا کاهش اجبار به حضور در فرآیند و محدود کردن امتیازاتی است که این نهاد برای متهم فراهم می‌کند. پیشنهاداتی مانند ثابت کردن میزان تخفیفات (برای مثال یک سوم از مجازات پیش‌بینی شده برای جرم)، تعیین سقف برای تخفیفات (برای مثال تخفیفات نباید بیش از یک سوم مجازات پیش‌بینی شده باشد) و اعطای اختیار به دادگاه برای نظارت بر متناسب بودن مجازات‌های حاصل از معامله اتهام مهم‌ترین راهبردهای این اصلاح ساختاری محسوب می‌شوند (۳۴).

گروهی بر این باورند که برای مبارزه با اجبار در معامله اتهام، دادگاه‌ها و قانون‌گذاران باید نظر دادگاه عالی مبنی بر رویکرد مستقل دادستانی درخصوص کیفر خواست را رد کنند؛ زیرا استقلال دادستان به وی این قدرت را می‌دهد تا متهم را در صورت رد معامله اتهام به جرم‌های سنگین‌تری متهم کند. در عوض، قوانین مشخص باید دادستان را موظف کنند تا در صورتی که بخواهد اتهاماتی را به کیفر خواست اضافه کند و یا نوع اتهامات را تغییر بدهد دلایل موجهی ارائه دهد. به همین دلیل، در رویه برخی دادگاه‌ها در برخی ایالات، دادگاه در راستای اجرای عدالت می‌تواند اتهاماتی که دادستان فقط به منظور تحت فشار دادن متهم برای قبول معامله اتهام به کیفر خواست اضافه کرده‌است، رد کند (۵۲).

افزایش دقت در فرآیند معامله اتهام

با توجه به آنکه معامله اتهام در برخی حالات منجر به محکومیت بی‌گناهان می‌شود و پیامدهای بسیاری را به همراه می‌آورد، باید میزان دقت در این فرآیند افزایش یابد. مهم‌ترین گام در این راستا، لزوم تحقیقات گسترده پیش از توافق است (۵۳). تعدادی از ایالت‌ها قوانین گسترده‌تری درخصوص تحقیق پیش گرفته و تعداد دیگری نیز در این زمینه در تلاش

حقایق پرونده انجام شود، استاندارد مشخصی برای تعیین نوع این حقایق وجود ندارد. درنتیجه قضات به ندرت در بررسی پرونده به مواردی فراتر از کیفر خواست و تطبیق آن با اظهارات متهم را شامل می‌شود. دادگاه همچنین مجاز است تا قبول جرم متهم، حتی پس از آنکه وی مدعی به بی‌گناهی خود شده باشد را قبول کند.^۱

با وجود خلأهای قانونی در ایالات متحده در قلمروی معامله اتهام، سیستم قضایی نتوانسته فرآیند معامله اتهام را قانونمند کند؛ زیرا دادگاه‌ها با توجه به اصل تفکیک قوا از مداخله قضات در تصمیم دادستان درخصوص کیفر خواست منع شده‌اند (۳۳). به همین دلیل، دادگاه عالی ایالات متحده، به عنوان بالاترین مقام قضایی کشور، تمهیدات چندانی را برای ایجاد شفافیت درخصوص پرونده‌های معامله اتهام انجام نداده است. این دادگاه اجازه داده تا دو طرف درگیر در معامله اتهام حق خود مبنی بر تجدیدنظرخواهی را رد کنند. همچنین هیچ التزامی برای ثبت مکتوب توافق‌نامه و یا بایگانی آن وجود ندارد. قربانیان در مذاکرات معامله اتهام هیچ نقشی ندارند و حتی در بعضی مناطق نظر آن‌ها درخصوص احتمال بررسی پرونده از طریق معامله اتهام مد نظر قرار نمی‌گیرد (۳۱). درنتیجه معامله اتهام در اکثر مناطق ایالات متحده بدون شفافیت و مصون از هرگونه بازنگری و بررسی می‌باشد.

اصلاحات ساختاری

برای کسب حقانیت، قانون‌گذاران و قضات باید قوانین کامل‌تری را بر نهاد معامله اتهام اعمال کنند. این قوانین می‌تواند در طیف گسترده شامل راه‌حل‌های ساده‌ای مانند اجباری کردن ثبت مکتوب توافق‌نامه معامله اتهام و بایگانی آن، تا اصلاحاتی اساسی‌تر نظیر اجباری کردن اعلام مذاکرات منتهی به معامله اتهام به منظور بالا بردن شفافیت، طراحی فرآیندهایی به منظور بررسی دقیق‌تر قضایی قبول جرم و اعمال محدودیت در تخفیف‌های ناشی از معامله اتهام باشد. در سطح کلان‌تر نیز می‌توان به اصلاح قانون عدالت کیفری اشاره

۱. برای مثال پرونده کارولینای شمالی در برابر آلفورد، ۱۹۷۰.

هستند. اصلاح قوانین مرتبط با حمایت از شاهد و اصلاح قواعد مربوط به تحقیقات جنایی، گرچه هزینه کمی را به سیستم بار می‌کنند، اما می‌تواند تأثیر چشم‌گیری بر افزایش دقت در معامله اتهام داشته باشد.

علاوه بر آن، نظارت قضایی نیز می‌تواند به افزایش دقت و حقیقت در فرآیند کمک کند. این مسئله می‌تواند با شریک کردن قضات در مذاکرات معامله اتهام و یا درخواست اطلاعات دقیق‌تر درخصوص قبول جرم متهم حاصل شود. با این حال، در حال حاضر، بیشتر ایالت‌ها قضات را موظف به تطبیق ادله منتهی به قبول جرم می‌دانند. لذا، اصلاحات با هدف افزایش دقت باید این اصل اساسی را رعایت کنند. در ایالات متحده، دقیق‌ترین روش تحقیق را دادگاه‌های نظامی دارند. این رویه می‌تواند الگوی خوبی برای ایالت‌هایی باشد که در تلاش برای اصلاح سیستم خود هستند. قضات دادگاه‌های نظامی می‌بایست در جلسه‌ای از متهم درخصوص جرایم مطرح شده سؤال کنند. از این طریق متهم برداشت خود را از جرایمی که انجام داده است ارائه می‌دهد. این گفتگو باید به نحوی برقرار شود که طی آن حقیقت امر مشخص شود، قاضی نباید سؤالاتی بپرسد که به جواب‌های بله یا خیر ختم شود. قضات همچنین می‌توانند قبول جرم متهم را براساس اطلاعات به دست آمده رد کنند.

روش دیگری برای افزایش دقت معامله اتهام، درگیر کردن قاضی در فرآیند مذاکرات معامله اتهام است. مشارکت قاضی در این مذاکرات می‌تواند به نظارت و بررسی ادله از دیدگاهی بی‌طرفانه بینجامد. این روش خطر اجبار از سوی دادستان را به حداقل ممکن کاهش می‌دهد و اطلاعات دقیقی به دو طرف درگیر درخصوص مجازات نهایی معامله اتهام می‌دهد. این گونه مشارکت قضات می‌تواند ریسک‌هایی مانند تضعیف بی‌طرفی ذاتی قاضی و یا تحت فشار قرار گرفتن طرفین به حل و فصل پرونده به منظور تسریع روند را هم به همراه داشته باشد.

افزایش شفافیت و عدالت

یکی دیگر از پیشنهاد‌های مهم برای اصلاح معامله اتهام، افزایش شفافیت و عدالت در فرآیند است. یکی از راهکارهای

مناسب جهت اجرای پیشنهاد مذکور، ثبت مکتوب و بایگانی نمودن توافق‌نامه‌های معامله اتهام است. توافق‌نامه مکتوب می‌بایست شامل بیان روشن مجازات و عواقب جانبی آن باشد. تعدادی از حوزه‌های قضایی این رویه را هم‌اکنون به اجرا درمی‌آورند. این نوع از رویه می‌تواند تصمیم متهم درخصوص قبول جرم را آگاهانه کند و در عین حال از سوء استفاده دادستانی در مرحله مذاکرات جلوگیری کند. همچنین ثبت و بایگانی، می‌تواند مرجعی برای مناقشات احتمالی درخصوص توافق حاصله در آینده باشد. این فرآیند از ادعاهای جعلی درخصوص نامناسب بودن مشورت‌هایی که در اختیار متهم قرار گرفته، پیشگیری می‌کند. به علاوه، ثبت این اطلاعات می‌تواند منافع قربانی را در فرآیند معامله اتهام تضمین و به جامعه کمک کند تا توافق حاصله را بهتر درک کند.

برای افزایش عدالت در معامله اتهام، دادگاه و قانون‌گذار می‌توانند محدودیت‌هایی را بر حقوقی که متهم می‌تواند با رد آن‌ها وارد معامله شود، قرار دهند. این محدودیت‌ها شامل لغو حق تجدیدنظرخواهی، لغو ادعای ناکارآمد بودن وکیل و لغو حق تحقیق است. این نوع لغو حقوق در دادگاه فدرال در حال فراگیر شدن است اما در بعضی ایالت‌ها رواج کمتری دارند و در بعضی نیز به طور کلی منع شده است.

در نهایت، صاحب‌نظران روش‌های جایگزینی برای معامله اتهام پیشنهاد داده‌اند که هم فرآیند رسیدگی را تسریع می‌بخشد و هم فرآیندی عادلانه‌تر می‌باشند. عده‌ای معتقدند، دادگاه‌های بدون هیأت منصفه می‌تواند به مراتب از فرآیند معامله اتهام منصفانه‌تر باشد و در عین حال با هزینه‌ای اندک، سرعت خوبی به نسبت حجم پرونده‌ها داشته باشد.

نتیجه‌گیری

معامله اتهام شکلی از مذاکره است که به موجب آن دادستان و وکیل متهم قراردادی را منعقد می‌کنند تا یک یا چند اتهام متهم را بدون محاکمه حل و فصل کنند. در ایالات متحده، دو نوع اساسی معامله اتهام وجود دارد. چانه‌زنی برای اتهام و چانه‌زنی برای مجازات در قسم اول، دادستان ممکن است توافق کند تا یک یا چند اتهام و یا اتهام مربوط به جرم

خاص را کنار گذارد. چانه‌زنی برای مجازات وقتی ارتکاب می‌یابد که دادستان و متهم درخصوص مجازات مذاکره می‌کنند. مذاکرات غالباً هم شامل مجازات و هم اتهام است. با این حال، بسته به اهمیت و پیچیدگی دعوی، مذاکرات می‌تواند ساده، سریع یا پیچیده باشد. اخیراً محققان تنها تحلیل معامله اتهام را طبق نظریه مذاکره، شروع کرده‌اند. مطابق این نظریه، طرفین، بهترین گزینه به موجب یک توافق ناشی از مذاکره را مورد بررسی قرار می‌دهند. معمولاً در دعاوی کیفری طرفین دارای چنین حق انتخابی نیستند. بنابراین، اگر دعوی رد و مختومه نشود، تنها بهترین گزینه توافق مورد مذاکره برای طرفین یک رسیدگی است.

با وجود نکات پیش‌گفته، در ایالات متحده عادی‌ترین قدرت نفوذ متهم در فرآیند مذاکره، موافقت وی برای انصراف از حق محاکمه توسط هیأت منصفه منصفانه‌ترین شیوه برای رسیدگی به جرم و مجرم خاص است. با وجود این، مهم‌ترین دلیل معامله اتهام رسیدگی مؤثر دعوی است. محاکمات هیأت منصفه در آمریکا مستلزم صرف زمان و منابع قابل ملاحظه‌ای است. افزایش تعداد محاکمات هیأت منصفه حتی تا ۲۰ درصد به علت نیاز دادگاه‌ها، قضات و وکلای دادگستری هزینه زیادی را دربر خواهد داشت. هرچند برخی از حوزه‌های ایالات متحده تجربه نسخ معامله اتهام را دارند لیکن دانش و معرفت حاکم این است که حوزه‌های شلوغ‌تر منابع و کارکنان کافی برای منع معامله اتهام ندارند.

با این حال، یکی از نگرانی‌ها درخصوص معامله اتهام آن است که معامله اتهام جو و فضای یک (بازی) را در نظام عدالت کیفری ایجاد می‌کند. به نظر روبرت کاگان، معامله اتهام (عمل اعتراف و اقرار را از یک تشریفات اخلاقی و درمان و علاج اجتماعی به یک بازی بدبینانه تبدیل می‌کند و موجب تقویت دیدگاه انحرافی مجرم از اجتماع می‌شود). رسیدگی نهایی می‌تواند بستگی بیشتری به جایی داشته باشد که وی دستگیر می‌شود چه میزان دادگاه‌ها شلوغ هستند در مقایسه با اعمال مورد نظر در هر دعوای جداگانه. راهنمای تعیین مجازات در آمریکا تعیین می‌کند که، چه مجازاتی متناسب است پس از ملاحظه تعداد عوامل دخیل در اتهام فعلی، سوابق

قبلی متهم و اینکه آیا متهم به مراجع ذیربط کمک کرده است یا مسؤولیت چنین جرائمی را پذیرفته است. دومین عامل مهم کلی (قابلیت پیش‌بینی و اعتماد) به نتایج در تعقیب‌های کیفری فدرال، روشنی و شفافیت راهنماهای تعیین مجازات در وزارت دادگستری آمریکا است که برای همه دادستان‌های فدرال در یک یادداشت به وسیله دادستان کل وقت جان اشکرافت، در سپتامبر ۲۰۰۳ صادر شده است این یادداشت بیان‌کننده سیاست‌های است که همه دادستان‌های فدرال در اتهام زدن و هم معامله اتهام باید رعایت کنند.

طبق نظر سیاست وزارت دادگستری آمریکا از دادستان‌های فدرال انتظار می‌رود که جرم احتمالی و جدی را به سهولت اتهام زدن و تعقیب کنند. یادداشت ذکرشده استثنائات این سیاست را ذکر می‌کند. در اکثر موارد، استثنائات مصوبه مقامات عالی وزارت دادگستری را نیاز دارد. در این یادداشت سیاست دادگستری در مورد معامله اتهام نیز تعیین شده است و ملزم می‌کند تا دادستان‌ها از راهنمای تعیین مجازات استفاده کنند و مجازات‌های کمتری را پیشنهاد دهند در صورتی که به طور خاص در دستورالعمل آمده است یا طبق دوره‌های زمانی محدودی که در تذکره بیان شده است. یادداشت دادستان کل مواردی را ذکر کرده است که در آن دادستان‌های کل ملزم به درخواست حداکثر مجازات نیستند. آشکارا هدف بیان شده یادداشت متضمن تعقیب دعاوی کیفری فدرال وفق استانداردهای مشابه است؛ زیرا، منصفانه بودن اساسی ایجاب می‌کند که در یک نظام عدالت کیفری تابع استانداردهای واحد و رفتار در یک شیوه هماهنگ باشند. منتقدان بیان می‌کنند که هماهنگی و خودداری از اعمال نظر قضایی خودسرانه در مجازات‌ها نقش در نرخ بالای زندانی در آمریکا ایفا می‌کند. نگرانی دیگر در مورد راهنمای تعیین مجازات قدرت بی‌حد و حصر است که به دادستان داده می‌شود، دادستان تصمیم می‌گیرد که چه اتهامی را ثبت کند که این امر به طور گسترده‌ای خروجی دعاوی را تعیین می‌کند.

References

1. Koushki GH. Alternatives to pursuing a public lawsuit in the Iranian and French criminal justice systems. *Journal of Legal Research* 1389; 29(1): 327-350.
2. Oren G, Ayal R, Limor R. Plea Bargaining and Prosecution. *European association of law* 2009; 13(1): 2-14.
3. Abasian A, Alipour H. Capacities of generalizing the transaction institution charged to the Iranian penal system. *Comparative Law Studies* 2015; 6 (2): 699-724.
4. Drumbl A. *Atrocity, Punishment and International Law*. New York: Cambridge University Press; 2007. p. 167.
5. Nicol L, Hons K. Plea Bargaining in International Criminal Courts: Dealing with Devil? Submitted in Fulfilment of the Requirements for The Degree of Master of Laws. School of Law, College of Social Sciences, University of Glasgow; 2016: 35-38, 12, 34. Kovarovic; 2011: 295-296.
6. Bateni M. *Contemporary Dictionary*. 6th. Tehran: Contemporary Dictionary Publication; 2002. p. 302, 28.
7. Moslehi M. *Memoirs Legal Dictionary*. Tehran: Yadvareh Publication; 2006. p. 214, 38.
8. Dadafarin N. *Dictionary of Legal Terms*. 5th. Tehran: Ganje Danesh Publication; 2010. p. 56.
9. Nouri M. *Madin Legal Dictionary*. 3th. Tehran: Madin Publication; 1997. p. 560, 72.
10. Arianpour A. *Legal Dictionary*. 6th. Tehran: Amirkabir Publication; 1996. p. 4069, 1093.
11. Keshavarz B. *Legal Dictionary*. 7th. Tehran: Amir Kabir Publication; 2006. p. 175.
12. Moshiri M. *Atlas Dictionary*. Tehran: Arian Tarjoman Publication; 2007. Vol. 1. p. 229.
13. Khazani M. *Criminal process: a collection of articles*. Tehran: Ganje Danesh Publication; 1998. p. 151.
14. Bryan A. *Black's Law Dictionary*. 2th. Tehran: Mizan Publication. 2009.
15. Kramer G. *Plea Bargaining Recommendation by Criminal Defense Attorneys: Legal Psychological and Substance Abuse Rehabilitative Influences*, A Thesis of Drexel University; 2005: 2.
16. Longman M. *Longman Advanced American Dictionary*. 3th. London: Longman Publication; 2003. p. 1102.
17. Taheri A. *Structural Violence and the Criminal Justice Process: A Criminological and Comparative Approach to the Doctrine of Denial of Violence*. Tehran: Mehrab Publication; 2006. Vol. 1. P. 47.
18. Sedigh R. [Translation of an Introduction to Crime and Criminology]. White R, Haines F (Authors). Tehran: Justice Publication; 2002. p. 193.
19. Hashemian K. [Translation of Abnormal Psychology and New Life]. Covington C. (Autor). Tehran: Al-Zahra University Press; 1997. p. 27.
20. Haji A. Reforming criminals in Iran's criminal policy. *Journal of the Faculty of Law and Political Science, University of Tehran* 2009; 3(39): 83-104.
21. Njafi H, Beygi H. *Encyclopedia of Criminology*. 4th. Tehran: Ganje Danesh Publication; 2014. p. 290.
22. Borhani M, Bateni E. [Translation of Philosophy of Punishment]. Cottingham J (Author). *Journal of Jurisprudence and Law* 2005; 4(1): 147-170.
23. Njafi H. *Lectures on criminology rehabilitation of criminals*. Tehran: Tarbiat Modares University Publications; 2007. P. 51.
24. Ebadi E. Pass laws to reduce the number of cases in court. *Judgment Monthly* 2006; 4(1): 2-19.
25. Turner J. *Judicial Participation in Plea Negotiations: A Comparative View*. *The American Journal of Comparative Law* 2006; 54 (1): 199-267.
26. Gilchrist G. Plea Bargains, Convictions and Legitimacy. *American Criminal Law Review* 2011; 48(1): 143-168.
27. Gillman H, Graber M, Whittington K. *American Constitutionalism: Rights and Liberties*. Oxford: Oxford University Press; 2013. pp. 238-242.
28. Langbein J. Torture and Plea Bargaining. *University of Chicago Law Review* 1978; 46(1): 1-14.
29. William G. *Vanishing Trials, Vanishing Junes, Vanishing Constitution*, *Suffolk University Law Review* 2006; 10(1): 67-74.
30. Nancy J. When Process Affects Punishment: Differences in Sentences After Guilty Plea, Bench Trial, and Jury Trial in Five Guidelines States. *105 Column Law Review* 2005; 105(1): 959-992.
31. Thaman C. *A Typology Of Consensual Criminal Procedures: An Historical And Comparative Perspective On The Theory And Practice Of Avoiding The Full Trial*. Washington: Carolina Academic Press; 2010. pp. 297-396.

32. Beety V. Judicial Dismissal in The Interest Of Justice. *Missouri law review* 2015; 80(1): 1-37.
33. Mallord J. Putting Plea Bargaining On the Record. *University of Pennsylvania Law Review* 2014; 162(5): 683-702.
34. Klein S, Remis A, Elm D. Waiving The Criminal Justice System: An Empirical and Constitutional Analysis. *American Criminal Law Review* 2015; 52(1): 73-97.
35. Kim A. Underestimating The Trial Penalty: An Empirical Analysis Of The Federal Trial Penalty And Critique Of The Abrams Study. *Mississippi Law Journal* 2014; 84(5): 1195-1255.
36. Cohen A, Anthony D. Public Attitudes To Plea Bargaining. *Criminal Law Quarterly* 1989-1990; 46 (133): 85-109.
37. Alschuler W. The Prosecutors Role in Plea Bargaining. *University of Chicago Law Review* 1968; 36(1): 50-112.
38. Herzog S. Plea Bargaining Practices: Less Covert, More Public Support? *Crime and Delinquency* 2004; 50 (4): 590-614.
39. Brown DK. Judicial Power to Regulate Plea Bargaining. *WM & Mary Law Review* 2015; 57(1): 1225-1242.
40. Easterbrook F. Plea Bargaining as Compromise. *Yale Law Journal* 1991; 101(1): 1969-1978.
41. Wright R, Engen R. The Effects Of Depth And Distance In A Criminal Code On Charging, Sentencing, And Prosecutor Power. *North Carolina law review* 2005; 84(1): 1935-1949.
42. Church W. In Defense of Bargain Justice. *Law & Society Review* 1979; 13(1): 509-525.
43. Kellough G, Scot W. Remand For Plea: Bail Decisions And Plea Bargaining As Commensurate Decisions. *British Journal Criminology* 2002; 42(1): 196-214.
44. Bowers J. Punishing The Innocent. *University of Pennsylvania Law Review* 2008; 156(5): 1117-1136.
45. Kobayashi H, John R. In Defense Of Criminal Defense Expenditures And Plea Bargaining. *International Review of Law and Economics* 1996; 16(4): 397-416.
46. Covey R. Plea-Bargaining Law After Lafler and Frye. *Duquesne University Law Review* 2013; 51(1): 595-625.
47. King N, O'Neill M. Appeal Waivers and The Future of Sentencing Policy. *Duke Law Journal* 2005; 55(1): 209-261.
48. Sungi P. Plea Bargaining in International Courts. *Journal of Theoretical and Philosophical Criminology* 2015; 7 (2): 23-29.
49. Turner J. Plea Bargaining and International Criminal Justice. *The University of the Pacific Law Review* 2017; 48(2): 219-246.
50. Brown D. Free Market Criminal Justice: How Democracy and Laissez Faire Undermine the Rule of Law. Oxford: Oxford University Press; 2016. pp. 41-52.
51. Lippke R. The Ethics of Plea Bargaining. Oxford: Oxford University Press; 2011. pp. 121-137.
52. Beety V. Judicial Dismissal in The Interest of Justice. *Missouri law review* 2015; 80(1): 629-647.
53. Turner J, Redlich A. Two Models of Pre-Plea Discovery in criminal cases: An empirical comparison. *Washington and Lee Law Review* 2016; 73(1): 285-299.